


متغیرشناسی و تحلیل اکتشافی – ساختاری تأثیر ایجاد دالان زنگزور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: ارائه سناریوی سازگار با بوم امنیتی ایران

مهرداد جاجانی^۱، اردشیر سنائی*^۲، حمیدرضا شیرزاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۰، پاییز ۱۴۰۲

 20.1001.1.1735501.1402.26.100.6.0

چکیده

ایجاد احتمالی دالان زنگزور یکی از رادیکال‌ترین تغییرات ژئوپلیتیک در حوزه قفقاز خواهد بود که تأثیرات گوناگونی بر کشورهای منطقه خواهد داشت. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار گرفتن ذیل تحریم‌های بین‌المللی امکان انتفاع کمینه از مزایای ترانزیتی احتمالی این دالان را نخواهد داشت اما تحت تأثیرات تعقیبی فراوانی قرار خواهد گرفت که بر جنبه‌های مختلف امنیت آن اثرات سوء دارد. نظر به فقدان تحقیق بسنده در این زمینه، مطالعه حاضر تلاشی است که ضمن رفع نواقص معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در پیشینه تحقیق، با استخدام نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، کاربست رویکردهای تحقیق تلفیقی (تحلیل اکتشافی، تحلیل ساختاری و سناریو پردازی) و اعتباربخشی یافته‌ها به کمک نظرات نخبگانی و نرم‌افزارهای مرتبط (اس‌پی‌اس‌اس، میک‌مک و سناریو ویزارد)، به کشف تأثیرات منفی دالان زنگزور بر امنیت ایران بپردازد و برای برون‌رفت از آن، سازگارترین سناریو را ارائه دهد. یافته‌های تحقیق نشان داد که ایجاد این دالان توسط ۱۸ متغیر با بار عاملی قابل‌قبول در ۴ مؤلفه اقتصادی، ترانزیت، هژمونیک/ژئوپلیتیک و نظامی (مطابق ارزش ایگن)، بر امنیت ایران تأثیر منفی می‌گذارد. تحلیل ساختاری نیز نشان داد که این نظام تأثیرات متشکل از متغیرهای بحرانی، ریسک، هدف و خروجی است که هرکدام دارای رفتار و ماهیت اختصاصی هستند و باید موردتوجه کارگزاران نظام قرار بگیرد. همچنین، نتایج حاصل از سناریو پردازی نشان داد که متغیرهای «تقویت همگرایی سیاسی با ارمنستان»، «سرمایه‌گذاری ترانزیتی مشترک با ارمنستان»، «حفظ وضع موجود در مرزها» و «خنثی‌سازی تحریم‌ها و بازگشت به رقابت-پذیری تجاری»، عوامل کلیدی در سازگارترین سناریوی مطلوب در این زمینه به شمار می‌روند.

کلیدواژه:

امنیت، سناریونویسی، تحلیل ساختاری، تحلیل اکتشافی، زنگزور

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

nooradehshikh@gmail.com

^۲ استادیار روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ardeshir_sanaie@yahoo.com

^۳ استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران shirzad2134@chmail.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله:

۱-۱- مقدمه موضوع

فلوید (۲۰۲۱) معتقد است در یک حیطة قرابت جغرافیایی که بازیگران کلیدی فراوانی دارد و از آن به‌عنوان مجموعه امنیت منطقه‌ای یاد می‌شود، تهدیدات از طریق فرایندهای سیاسی و در قالب رشته‌ای از رخداد‌های متعاقب، کنش‌های بیانی بازیگران و با اقدامات میدانی تحقق می‌یابند. فرایندهای امنیت‌سازی و امنیت‌زدایی^۱ نیز در همین راستا قابل تبیین و تفسیر است به‌نحوی که موتیمر (۲۰۱۹) در دریافت انتقادی خود از چنین مجموعه‌های امنیتی، کارکردگرایی بعضی بازیگران و بعضی رخدادها را در فرایند امنیت‌سازی، برجسته‌تر عنوان کرده است. بر همین اساس، منطقه قفقاز و حوزه قرابت آن یعنی آسیای مرکزی و منطقه غرب آسیا نیز به‌مثابه یک مجموعه امنیت منطقه‌ای عنوان شده است که دارای برخی بازیگران با نقش‌های برجسته و دارای برخی دینامیک‌های امنیت‌سازی با کارکردهای فرامنطقه‌ای و جهانی است. اگرچه بعد از دوران جنگ سرد، منطقه قفقاز به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ژئوپلیتیک و راهبردی و منابع سرشار انرژی، مورد توجه اساسی قدرت‌های بین‌المللی و نوظهور منطقه‌ای بوده است اما این بخش از جهان هنوز دارای برخی ظرفیت‌های ترانزیتی، تجاری و امنیتی دست‌نخورده است که آن را به خاستگاه برخی تغییرات رادیکال امنیتی، سیاسی و اقتصادی در دنیا بدل کرده است. قفقاز جنوبی از لحاظ جغرافیایی شاهره اتصال شبکه‌های انرژی شرق-غرب و شمال-جنوب است و در قلب مسیر جاده تاریخی ابریشم قرار گرفته است که امروزه در قالب کانال تجارب شرق و غرب از سوی کشورهای صاحب تجارت جهان به‌ویژه چین، در حال باز احیاء است. در این میان، منطقه سیونیک در جمهوری آذربایجان که دربردارنده سرزمین‌هایی موسوم به زنگرور و نقطه اتصال منطقه حاصلخیز سیونیک، کوه‌های قفقاز جنوبی و ارتفاعات آناطولی و حتی سرزمین ایران است، دربردارنده برخی ظرفیت‌های سیاسی، امنیتی و ترانزیتی گسترده است که تأثیر مستقیم و عمیقی بر مهندسی ژئوپلیتیک منطقه قفقاز، نقش بازیگران منطقه‌ای، امنیت کشورهای همسایه و معادلات فرا منطقه‌ای و جهانی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به توسعه تأثیرگذاری ترکیه در سرزمین‌های حوزه آناطولی، توسعه حوزه نفوذ روسیه در قفقاز و بسط گزینه‌های ارتباطی تجاری این کشور با منطقه قفقاز و اروپا در قالب راهبرد «خارج نزدیک»^۲، آسیای میانه و چین، تغییر گسترده ساختار امنیتی و ژئوپلیتیک در قرابت جمهوری اسلامی ایران، تقلیل حصر سرزمینی و انزوای اقتصادی ارمنستان در دسترسی آزاد به بازارهای منطقه‌ای، تسهیل برخی هزینه‌های جهانی چین در توسعه و بسط راهبرد «یک-جاده یک-

¹ Securitization/De-securitization

² Near Abroad



کمربند»، افزایش گزینه‌های دسترسی اروپا به انرژی که در سایه جنگ اوکراین به شدت تحدید شده است و برخی زمینه‌های احتمالی مصالحه و ثبات در منطقه قره‌باغ-ناگورنو اشاره کرد. ایجاد این دالان، ظرفیت‌ها و تهدیداتی را برای کشورهای حوزه قرابت خود ایجاد کرده است که حوزه شمول آن بیشتر در کشورهای آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، روسیه، ترکیه و ایران است و غالباً معطوف به محور امنیت است که حیطه‌های گوناگون امنیت را در برمی‌گیرد.

۱-۲- ضرورت موضوع

امنیت و تلاش برای امنیت سازی، مهم‌ترین عامل در ساخت سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و آرایش نظامی است. ژو و وارنر (۲۰۲۱) بر این عقیده‌اند که بهترین راهبردهای امنیت سازی از مسیر گزینه‌های سیاسی می‌گذرد زیرا هم هزینه‌های محیطی را کاهش می‌دهد و هم باعث مشروعیت و معتبرسازی اقدام اتخاذ شده می‌گردد. ایجاد دالان زنگزور منافع و اراده سیاسی بسیاری از کشورهای حاضر در بافت امنیتی قفقاز را به دنبال دارد و بر همین اساس گزینه سیاسی بسیاری از بازیگران برجسته در این منطقه است. در بعد جهانی نیز ظرفیت ایجاد دالان زنگزور برای بازیگران اصلی صحنه بین‌الملل حائز اهمیت است. نظام روابط شبکه‌ای شکل گرفته پس از جنگ سرد و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای در منطقه قفقاز باعث شده است که ایالات متحده آمریکا برای حفظ وزن هژمونیک خود در منطقه دریای خزر و دریای سیاه و تضمین امنیت انرژی و اقتصاد اروپا در ذیل رویکرد جهان‌شمول خود و پیمان آتلانتیک، به دنبال کوتاه‌ترین مسیر اتصال اروپا به انرژی و منابع کلایی آسیا از طریق حذف ایران و روسیه باشد. از طرف دیگر، چین، روسیه و ایران به دنبال ایجاد یک هژمونی چندجانبه گرایی در قالب اتحاد اروپا- آتلانتیک هستند که در تعارض رادیکال با این تمامیت‌خواهی غربی قرار می‌گیرد. مضاف بر تعدد بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، عوامل متعدد قومیتی، دینی، فرهنگی و اجتماعی به میزانی در این منطقه تأثیرگذار بوده است که در برخی مواقع باعث تغییر اساسی در ادراکات و رویکردهای بازیگران شده است. نظر به تأثیر چند ساحتی دالان زنگزور بر امنیت سازی و امنیت زدایی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه متغیرهای مؤثر در این زمینه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱-۳- اهمیت موضوع

ایجاد ظرفیت‌های نرم مبتنی بر معرفت‌شناسی انقلابی و هستی‌شناسی شیعی، قرابت‌های فرهنگی، دینی و زبانی، منابع عظیم انرژی و بسط تصاعدی قدرت سخت نظام در سازمان‌دهی نظامی، افزایش نفوذ و برد نظامی در منطقه، توسعه فناوری‌های موشکی، پدافندی و پهبادی و اتخاذ برخی سیاست‌های واقع‌گرایانه در حوزه روابط بین‌الملل باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران، در کنار روسیه و ترکیه، یکی از بازیگران تأثیرگذار فرا منطقه‌ای در حوزه قفقاز باشد اما در عین کسب برخی مزیت‌ها و استفاده از برخی ظرفیت‌های حوزه قفقاز جنوبی، با تهدیدات متنوع امنیتی و ژئوپلیتیک



گسترده و پیچیده از سوی این منطقه مواجه بوده است که برخی از آن‌ها مستقیم و برخی نیابتی بر ساحات گوناگون امنیت ایران تأثیر گذاشته است. ظرفیت ایجاد دالان زنگزور نیز یکی از متغیرهای محیطی در تعدیل روابط امنیتی ایران با کشورهای حوزه قفقاز و بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در این بخش از جهان است که اهمیت بررسی آن را دوچندان می‌کند.

۱-۴- مسئله اصلی

بررسی پیشینه تحقیق، ضمن کشف خلأ تحقیقاتی گسترده در زمینه این موضوع، نشان داده است که استخدام نظریات کلاسیک در حوزه روابط خارجی و امنیت که معطوف به رویکردهای خطی هستند، قادر به کشف ماهیت چندبعدی و متکلف کنش‌گری بازیگران در این حوزه نیستند. فریرا سوزا (۲۰۲۱) معتقد است که امنیت در یک مجموعه امنیتی تنها با تلفیقی از رویکردهای گوناگون قابل فهم است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مفهوم‌سازی امنیت در مکتب پاریس (که معطوف بر حوزه‌های جغرافیایی و مرزیت است)، امنیت‌سازی بر اساس قطبیت و توزیع قدرت، امنیت‌سازی در رویکرد ونت^۱ (که معطوف بر ساختار آنارشیک قدرت است) و امنیت‌سازی در ساخت‌گرایی اجتماعی (که برگرفته از نظریات کانت، هابز و لاک است) اشاره کرد. همان‌طور که در بالا ذکر شده است، احتمال ایجاد دالان زنگزور، یک پدیده چند ساحتی است که تأثیر زیادی بر کشورهای منطقه و فرا منطقه دارد اما با این حال در تحقیقات پیشین با رویکردهای تک‌بعدی و با نقایص معرفت‌شناختی در کاربست مبانی نظری بایسته و مرتبط و نقایص روشی در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و مهم‌تر از همه اعتباربخشی، روایی سنجی، تعمیم‌پذیری و کاربردی بودن یافته‌ها مواجه بوده است که نه‌تنها عدم حصول یک تصویر مانع و جامع از پدیده موردبحث را در پی داشته است بلکه اعتبار و کارکرد یافته‌ها را با چالش مواجه کرده است.

نظر به موارد مطرح‌شده، تحقیق حاضر تلاشی است تا با استخدام نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای قالب نظری غنی و پراگماتیکی برای بررسی این پدیده فراهم کند و با کاربست یک روش تحقیق بدیع و تلفیقی در قالب تحلیل اکتشافی-ساختاری، ضمن به‌کارگیری نظرات نخبگانی، استفاده از نرم‌افزارهای مشهور تحلیل کمی و کیفی، مدل‌سازی و سناریونویسی و تحلیل مبتنی بر داده، ضمن بررسی تأثیر ایجاد احتمالی دالان زنگزور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سناریوهای محتمل، ممکن و مطلوب در این زمینه را ارائه دهد. به همین دلیل مطالعه جاری ناظر به این سه سؤال اصلی است:

الف. مؤلفه‌ها و متغیرهای اثر ناشی از ایجاد احتمالی دالان زنگزور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

^۱ Wendt (2003)



ب. هر کدام از این متغیرهای کشف شده چه ماهیت و رفتاری در نظام تأثیرات دارند و چگونه می شود آن ها را مدیریت کرد؟

ج. سازگارترین سناریوی مطلوب در ارتباط با ایجاد یا عدم ایجاد این دالان کدم است؟ اکتشاف و اعتباربخشی این مؤلفه ها و متغیرهای تأثیر، تحلیل ماهیت آن ها و چگونگی رفتار آن ها در نظام تأثیرات در قالب تحلیل ساختاری ناشی از ماتریس های اثرات متقاطع و متوازن و ارائه سناریوهای گوناگون با بیشترین میزان سازگاری و درنهایت ارائه تغذیه معتبر به راهبرد نویسان و سیاست گذاران امنیتی، از اهداف اصلی تحقیق حاضر به شمار می روند.

نحوه سازمان دهی مقاله

نظر به خلأ تحقیقاتی و نقایص روش شناختی و معرفت شناختی مطرح شده در بالا، تحقیق حاضر تلاشی است تا با استخدام یک رویکرد روش شناسی نوآورانه، به سؤالات تحقیق پاسخ دهد. بر همین اساس، نوشتار حاضر شامل پنج بخش اصلی است. در بخش مقدمه، ضمن تبیین ضرورت و اهمیت موضوع، مسئله اصلی بیان شده است. در بخش ادبیات تحقیق نیز ضمن تبیین چارچوب نظری تحقیق، مطالعات مرتبط با تحقیق موردبررسی قرار گرفته است. در بخش سوم نیز روش شناسی تحقیق، ابزار تحقیق، شیوه جمع آوری و تحلیل داده ها بیان شده است. در بخش چهارم نیز نتایج تحقیق در جداول و شکل های مرتبط ارائه و توصیف شده است. در بخش نهایی نیز بحث و نتیجه گیری تحقیق ارائه شده است.

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- ادبیات نظری

نظر به غنای مبانی دانشی و معرفتی و وسعت تحقیقات تجربی و نظری و شواهد تحقیقاتی مبنی بر کاربردی بودن، تحقیق حاضر برای تحلیل پدیده مورد مطالعه از نظریه مجموعه امنیت منطقه ای استفاده کرده است. پوراسماعیلی و دیگران (۲۰۲۱) معتقدند که نظریه مجموعه امنیت منطقه ای با اعمال برخی ملاحظات بافتی، کارآمدترین چارچوب نظری برای تحلیل مناسبات در یک بافت قرابت است. آمابل (۲۰۲۲) نیز در بازخوانی خود از نظریه مجموعه امنیت منطقه ای بر تفاوت بافتی برای استخدام نظریه مذکور تأکید کرده است و معتقد است که دینامیک های تشکیل دهنده هر منطقه امنیتی و تعریف از امنیت سازی و امنیت زدایی در هر بافت متفاوت است. البته، پیش تر گربوسکی (۲۰۲۰) در تحقیق خود دریافته بود که دینامیک های امنیتی ایران در ساختار امنیتی حوزه قفقاز و خلیج فارس، به کمک نظریه مجموعه امنیت منطقه ای قابل تبیین است. مضاف بر آن، عطف انحصاری و تخصصی به موضوع امنیت، امنیت سازی و امنیت زدایی در بافت قرابت، توجه به الگوهای عداوت-



دوستی در تحلیل روابط کشورها، برخورداری از سطوح تحلیل دینامیک که شمول آن از محیط همسایگی به شکل یک پیوستار به محیط جهانی امتداد یافته است، ریشه دار بودن در مبانی نظری قدرتمند اندیشه‌ای و هستی‌شناسی و پوشش مناسب رویکردهای ساختارگرا، ماتریالیستی و واقع‌گرا و همچنین توجه به رویکردهای پارادایمی در معرفت‌شناسی که امکان بررسی ظرفیت‌های سخت و نرم نظام‌ها را در یک قالب فراهم کرده است، در کنار تعریف عملیاتی ساده و کاربردی از نظریه، باعث شده است تا نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای به‌عنوان قالب نظری و تحلیلی در مطالعه حاضر استخدام شود. اگرچه برخی محققان مانند زال (۲۰۱۹) معتقدند که عدم تقارن سنتی قدرت هنوز حاکم است و ابرقدرت‌ها می‌توانند از تشکیل مجموعه‌های منطقه‌ای جلوگیری کنند اما واقعیت آن است که در دهه‌های اخیر، الگوی خاصی از امنیت بر اساس حضور قدرت‌های منطقه‌ای و بومی شکل گرفته است که به کمک نظام‌های تک‌قطبی و دوقطبی ترسیم شده در زمان جنگ سرد قابل توصیف و تبیین نیست (بوزان و ویور، ۲۰۰۹). کارپنتر (۱۹۹۱) نیز در تفسیر مشابهی از وضعیت امنیتی جهان در دوران پس از جنگ سرد، آن را نوعی به‌هم‌ریختگی نظم امنیتی بیان می‌کند که به وسیله مدل‌هایی مانند جهانی‌سازی قابل توضیح نیستند. همچنین، فریدبرگ (۱۹۹۳) نیز معتقد است که ایجاد این ساختار جدید امنیتی باعث شده است که بیش‌ترین تهدید و ظرفیت‌های تهدید امنیتی برای کشورها از منطقه قربات و همسایگی آن‌ها صادر شود. در همین راستا بوزان و ویور (۲۰۰۹، ص ۳) معتقدند که نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امکان فهم این ساختار جدید امنیتی را فراهم می‌کند و تعادل نسبی قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی را ارزشیابی می‌کند و بر همین اساس، درک مناسبی از تعامل بین کشورها در سطوح نظام بین‌المللی و زیر نظام‌های آن ارائه می‌دهد. همچنین بر اساس بوزان (۲۰۱۴)، توجیه نظری برساخت دو مفهوم کلیدی «امنیت» و «منطقه» در ذهن بازیگران گوناگون نیز از مسیر این قالب تئوریک فراهم شده است. نکته کلیدی در نظریه امنیت منطقه‌ای این است که در ساختار جدید امنیتی جهان، تهدیدها در محیط قربات و منطقه‌ای در مقایسه با محیط دارای بعد جهانی، امکان اصابت بیشتری دارند و بر همین اساس، تأمین و تهدید امنیت را باید در بافت‌های بومی امنیتی یا مجموعه‌های بومی و منطقه‌ای امنیتی جستجو کرد زیرا این حالت باعث افزایش وابستگی امنیتی بازیگران موجود در یک مجموعه نسبت به همدیگر می‌شود. همچنین، فرایندهای امنیتی نیز در قالب همین مجموعه‌ها امکان کاربست دارند. در این میان اگرچه قدرت‌های جهانی برای نفوذ در این بافت‌های امنیتی بومی دارای ابزارهای قدرتمندی هستند، اما مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای نیز دارای دینامیک‌های فراوانی برای مقابله با تهدیدات سطح جهانی و ابرقدرت‌ها هستند؛ بنابراین، برای فهم مناسبی از امنیت، نیاز است که مفهوم امنیت در ابعاد نظام‌های جهانی و زیر نظام‌های منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.



از لحاظ پراگماتیک و کاربردشناسی نیز، نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای یکی از نوآوری‌های مهم در مطالعات روابط خارجی در بافت آکادمیک به شمار می‌رود. هدف اصلی از موضوع مطالعاتی ذیل این نظریه، ردیابی وجود و حضور مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای در نظام بین‌الملل و کشف و تحلیل ویژگی‌های بافتی و امنیتی خاص آن مجموعه است؛ به عبارت دیگر، هدف اصلی از نظریه، شناخت مجموعه امنیت منطقه‌ای به عنوان یک واحد نظری مستقل و کشف و تحلیل دینامیک‌های وابسته به آن است که در سطح گوناگون ملی و بین‌المللی قابل حد گذاری است. کشف دینامیک‌های هر مجموعه امنیتی، علاوه بر ارائه یک تحلیل متقن از وضعیت امنیتی آن مجموعه، قادر به ردیابی و پیش‌بینی بسیاری از فرایندهای امنیت سازی و امنیت زدایی در آن منطقه است و از این حیث دارای اهمیت نظری و راهبردی است و نتایج حاصل از آن برای کارگزاران گوناگونی دارای کارکرد است. همچنین بر اساس تحلیل حاصل از شناخت مجموعه امنیت منطقه‌ای و دینامیک‌های آن، باعث شناخت تهدیدات و تضادهای امنیتی بالفعل و بالقوه می‌شود که بر اساس آن می‌توان به مدیریت تضاد و کشمکش پرداخت و از وقوع منازعه و جنگ جلوگیری کرد و درعین حال، نسبت به حفظ منافع ملی هشیاری لازم را به دست آورد. بر همین اساس، این نظریه بیش‌ترین تقارب کارکردی و محتوایی با اهداف تحقیق حاضر را دارد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

۲-۲-۱- زمینه تحقیق

کرنل (۲۰۱۰) معتقد است که ویژگی‌های ژئوپلیتیک و محیطی منطقه قفقاز به گونه‌ای است که این منطقه را مستعد تغییرات دینامیک فراوان و درعین حال پیچیده کرده است که بیش از هر چیز بر امنیت کشورهای این منطقه و محیط قرابت آنان تأثیرگذار است. جاجانی و دیگران (۱۴۰۰) نیز نظام تعاملی امنیتی حوزه قفقاز را نظامی ناپایدار و متأثر از بازیگران و متغیرهای گوناگون می‌دانند به نحوی که مدیریت امنیتی و پیش‌بینی روند تغییر در آن بسیار پیچیده است. پایان جنگ ۴۴ روزه بین ارمنستان و آذربایجان منجر به برخی نوآوری‌های صلح در منطقه شد که مهم‌ترین آن اقدامات ابتکاری روسیه است که ذیل خود به صورت ضمنی به ایجاد یک کانال ترانزیتی زمینی بین دو کشور درگیر منازعه اشاره کرده است. پس‌ازاین توافق صلح نسبی، جمهوری آذربایجان تلاش کرده است تا در راستای اهداف و بلندپروازی‌های خارجی خود، این مسیر ترانزیتی را در قالب دالان زنگرور عینیت بخشد. به منظور فهم بهتر زمینه تحقیق، در این بخش مروری کلی بر تأثیر مستقیم این دالان احتمالی بر برخی از مهم‌ترین کشورهای منطقه می‌پردازیم:

الف. ارمنستان: تویسوز اوغلو (۲۰۱۴) معتقد است که بعد از منازعه ۱۹۹۲-۱۹۹۳، کشورهای ترکیه و آذربایجان مرزهای زمینی خود را بر روی کشور ارمنستان بستند تا این کشور برای تبادلات تجاری خود در انزوای جغرافیایی قرار گیرد و امکان تجارت پایدار و ایمن با بزرگ‌ترین شریک خود



یعنی روسیه را از دست بدهد. خط آهن لارس که از منطقه جغرافیایی ناهموار و صعب‌العبوری، ارمنستان را به روسیه وصل می‌کند از دل گرجستان می‌گذرد و شرایط جغرافیایی و الگوی روابط گرجستان-روسیه به‌شدت بر آن تأثیرگذار است به نحوی که در روزهای سرد زمستان و در زمان تنش روابط، بسته می‌ماند. بر خط ریلی عبوری از آبخازیا نیز همین شرایط حاکم است و به‌شدت متأثر از تعاملات روسیه و گرجستان است. خط ارتباط ریلی ارمنستان با ایران (که دومین شریک تجاری تأثیرگذار این کشور است) نیز که از منطقه نخجوان می‌گذشت، از زمان جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۴) مسدود است. مسیر ترانزیت زمینی این کشور با ایران از بهره‌وری لازم برخوردار نیست و دیگر مسیرهای زمینی و ریلی نیز نیاز به سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای دارد که خارج از توان ارمنستان است. ایجاد دالان زنگزور ارمنستان را با هزینه اندکی به ایران و روسیه وصل خواهد کرد و ضمن مشارکت دادن این کشور در کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، آن را به اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیوند می‌دهد. از طرف دیگر، در صورت بازگشایی این دالان، ظرفیت رقابت تجاری ارمنستان در قیاس با آذربایجان و ترکیه تقلیل می‌یابد، عمق راهبردی، تمامیت ارضی و ساختار ژئوپلیتیک امنیتی ارمنستان به‌شدت متأثر و تحت کنترل آذربایجان قرار خواهد گرفت.

ب. آذربایجان: ایجاد دالان زنگزور باعث پایان یافتن حصر ۳۰ ساله نخجوان، کوتاه شدن ۳۴۰ کیلومتری مسیر ترانزیتی آذربایجان با ترکیه، حذف یکی از اهرم‌های تأثیر راهبردی ایران بر این کشور با ایجاد یک آلترناتیو امن برای دسترسی به نخجوان، الحاق رسمی برخی از سرزمین‌های مورد منازعه با ارمنستان و ایجاد یک اهرم سیاسی برای فشار بر این کشور از طریق تنظیم‌گری ترانزیت ارمنستان با روسیه است. همچنین این دالان، یک آلترناتیو ترانزیتی برای دسترسی آذربایجان به دریای سیاه ایجاد می‌کند و باعث افزایش نقش بازیگری آذربایجان در برخی معادلات فرا منطقه‌ای و جهانی می‌شود که از آن جمله می‌توان به تأثیرگذاری بر مسیر ترانزیتی روسیه، چین و بازار انرژی اروپا اشاره کرد.

ج. گرجستان: بازگشایی دالان زنگزور مزیت ترانزیتی دریایی و زمینی این کشور نسبت به کشورهای حوزه قفقاز را به‌شدت متأثر می‌کند. در دهه‌های گذشته، گرجستان مسیر اصلی ترانزیت زمینی انرژی و کالاهای آذربایجان به ترکیه و اروپا بوده است. مسیر دسترسی آذربایجان به دریای سیاه نیز از این کشور می‌گذرد؛ به‌عبارت‌دیگر، دالان زنگزور اهمیت مسیر ریلی باکو-تفلیس-قارص را از درجه اهمیت ساقط می‌کند درآمدهای ترانزیتی گرجستان را تقلیل می‌دهد. بازگشایی دالان نه‌تنها اهمیت ژئوپلیتیک گرجستان را می‌کاهد بلکه از طرف دیگر، با بسط گزینه‌های روسیه در ترانزیت و کاهش وابستگی آن به گرجستان، از اهرم‌های قدرت این کشور در مقابل روسیه به‌شدت کاسته خواهد شد و سناریوهای فشار روسیه بر این کشور در منطقه آبخازیا را تقویت خواهد کرد.



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم ترین یافته‌ها
انصاری نسب (۱۴۰۲)، روش: توصیفی-تحلیلی	موقعیت ژئوایکونومیک ایران در استفاده از کریدور ریلی تراسیکا در آسیای میانه به چه نحو است؟	نتایج نشان داد ایران به واسطه موقعیت اقتصادی-جغرافیایی خود امکان بهره‌برداری از مسیر ریلی کریدور تراسیکا جهت انتقال کالا و همگرایی اقتصادی با کشورهای آسیای میانه را دارد و می‌تواند از طریق توافقات تجاری با قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان به بازارهای آسیای میانه با تعرفه مناسب دسترسی یابد.
رشیدی (۱۴۰۲)، روش: تبیینی و علت کاو	برنامه ساخت کریدور زنگزور چه تهدیدهایی علیه منافع ج.ا. ایران در پی دارد؟	نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که این دالان تهدیدی امنیتی علیه منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی ج.ا. ایران خواهد بود که امکان تغییر ژئوپلیتیک مرزها از طریق انسداد مرز زمینی ایران و ارمنستان، امکان همگرایی ارمنستان با بلوک غرب و تشدید تنهایی استراتژیک ج.ا. ایران، کاهش مزیت‌های ترانزیتی ایران در کریدور شمال-جنوب، افزایش نفوذ ترکیه در منطقه، به مخاطره افتادن حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی از طریق پیشبرد طرح پان- ترکیستی و احیای قوم‌گرایی آذری و تقویت حضور ناتو، اسرائیل و روسیه در مرزهای شمالی کشور را در پی دارد.
اشرفی، شیخ‌الاسلامی (۱۴۰۲)، روش تحقیق: توصیفی-تحلیلی	رویکرد مسکو در قبال ابتکار کمربند-جاده چین در آسیای مرکزی چیست؟	نتایج پژوهش نشان داد که روسیه، کمربند-جاده را طرحی با هدف افزایش نفوذ ژئوپلیتیک چین در دو سطح بین‌الملل و منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌آورد و با پیگیری الگوی رقابت و همکاری نسبت به آن، درصدد سازگار کردن آن با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و جلوگیری از نفوذ بیش‌ازحد چین در منطقه قفقاز است.
امیری و فلاحی (۱۴۰۱)، روش: پدیدارشناسی	رویکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم برای مدیریت روابط در حوزه قفقاز چگونه بر روابط خارجی ایران با جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان تأثیر گذاشته است؟	نتایج تحقیق نشان داد که ایران برای حفظ توازن ژئوپلیتیک، رابطه با باکو و ایروان را در حد قابلیت‌های موجود افزایش داده است اما جایگاه ژئوایکونومیک برتر جمهوری آذربایجان سبب افزایش وزن این کشور نسبت به ارمنستان به‌ویژه در جنبه‌های اقتصادی روابط با ایران در دولت‌های مذکور شده است.
مهرداد جاجانی، اردشیر سنایی & کابک خبیری	متغیرهای مؤثر در برساخت روابط امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان کدامند؟	نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که بیست متغیر با بالاترین ضریب تأثیر در پنج مؤلفه بقا، هژمونی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی و اجتماعی- فرهنگی در برساخت روابط امنیتی دو کشور نقش مستقیم دارند.



		(۱۴۰۰)، روش: مدل سازی معادله ساختاری
نتایج حاکی از آن است که تغییرات ژئوپلیتیک محتمل مانند ایجاد کانال زنگرور در منطقه قفقاز را باعث بالا رفتن سطح تنش در منطقه شده و به دلیل مخالفت ایران با ایجاد هرگونه تغییر ژئوپلیتیک در منطقه و مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، سطح تنش‌ها و الگوهای روابط خارجی در منطقه تغییر می‌یابد و حیطه شمول آن به کشورهای همسایگی ایران مانند افغانستان و پاکستان نیز تعمیم خواهد یافت	ایجاد دالان زنگرور چه تأثیری بر روابط ایران و آذربایجان دارد؟	Seyyed, &Khan(2022) روش: تحلیل تطبیقی
نتایج نشان داد که این کانال باعث بازگشت صلح، ثبات و فرصت‌های تجاری به منطقه قفقاز جنوبی می‌شود که و انتقال انرژی و کالای این منطقه و حوزه دریای خزر به روسیه، چین و غرب را تسهیل می‌کند. در این تحقیق به احتمال انتفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از ایجاد این دالان اشاره‌ای نشده است و در جمع‌بندی تصریح شده است که بازیگران اصلی این دالان مانند ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و روسیه می‌توانند از این دالان به‌عنوان ابزاری برای تعدیل روابط خود با سایر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استفاده کنند.	مزایای اقتصادی کانال زنگرور برای کشورهای منطقه کدام است؟	Ismailzade & Babayev (2022): روش: سندپژوهی و تحلیل تبیینی
در نتایج این تحقیق علاوه بر اشاره به مزایای اقتصادی و سیاسی این دالان برای کشورهای کنترل‌کننده دالان و همسایگان، چشم‌انداز ساخت آن را دشوار توصیف شده است و بر این نکته تصریح شده است که ترکیه و آذربایجان اگرچه انگیزه‌های زیادی برای ساخت این دالان دارند، اما هنوز کارهای زیادی در حیطه سیاسی و روابط خارجی مانده است که نیاز به انجام است	تغییرات ژئوپلیتیک و امنیتی ناشی از ایجاد دالان زنگرور کدام‌اند؟	Asgarova, R. (2022). روش: تحلیل تبیینی
نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که در حال حاضر به دلیل حفظ ساختار تحریم‌ها، امکان بهره‌برداری ایران از فرصت‌ها کمینه و امکان اصابت تهدیدات بیشینه است. این تحقیق پیشنهاد کرده است که ایجاد دیپلماسی همگرا و تلاش برای بی‌اثر سازی تحریم‌ها مؤثرترین راهبرد ایران برای تضمین منافع اقتصادی خود در حوزه قفقاز و آسیای مرکزی است.	فرصت‌ها و تهدیدات طرح‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ در منطقه قفقاز برای ایران کدام‌اند و مدل بهینه انتفاع ایران از این طرح‌ها کدام است؟	Ghadi, Farhadi, & Heydarabadi, (2022). روش: مدل سازی کیفی-تحلیلی



در این مطالعه آمده است که بروز جنگ اوکراین و تأثیر منفی آن بر ایجاد و بسط کریدور شمالی که به شدت تحت تحریم غرب است، نشان داد که منطقه روسیه، چین و اروپا برای دسترسی به آسیای مرکزی و قفقاز نیاز به یک کانال میانی ترانزیتی دارند که دالان‌های زنگزور و لاجین از محتمل‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند.	تأثیر ایجاد کریدور میانی بر آسیای مرکزی و قفقاز چیست؟	Tuba. (2022). روش: توصیفی و تحلیلی
--	---	---------------------------------------

۲-۲-۳- وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین

از لحاظ بدیع بودن و نوآوری، تحقیق حاضر از چند حیث با ادبیات پیشین تمایزات اساسی دارد. از حیث موضوع و حیطه شمول، اولین تحقیق در بافت ایران و بافت مطالعات خارجی است که به صورت انحصاری معطوف به تأثیر ناشی از ایجاد احتمالی دالان زنگزور بر ساحات گوناگون امنیت جمهوری اسلامی ایران است. از لحاظ رویکردی نیز از معدود مطالعات در این زمینه است که از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده کرده است. کاربست متناوب نرم‌افزارهای تحلیل اکتشافی، تحلیل ساختاری و سناریو پردازی نیز از دیگر تمایزات تحقیق حاضر است. در حیطه اعتباربخشی و تعمیم‌پذیری یافته‌ها نیز تحقیق حاضر متمایز، دارای یافته‌های تعمیم‌پذیر و کاربردی است که در اغلب مطالعات علوم انسانی مفقود است.

۳- روش تحقیق

به دلیل نیاز به حصول تصویری معتبر، شامل و مانع از پدیده تحت بررسی، تحقیق حاضر از لحاظ رویکردی تلفیقی است و از حیث روش در حیطه تحقیقات چند-گامی/چند-روشی قرار می‌گیرد که شامل سه گام اصلی زیر است:

۳-۱- تحلیل اکتشافی (متغیر یابی و اعتباربخشی): پالانت (۲۰۱۳) معتقد است که تحلیل مؤلفه تعقیبی^۱ که ترکیبی از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی است، به دلیل استخدام الگوهای پیچیده آماری و منطقی و کاربست استعداد نرم‌افزاری، ظرفیت مناسبی برای بررسی پدیده‌ها در علوم انسانی را فراهم آورده است. بر همین اساس، برای بررسی و کشف متغیرها و مؤلفه‌های تأثیر ایجاد دالان زنگزور بر امنیت ملی ایران از تحلیل عاملی اکتشافی در ترکیب با تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در گام کشف داده‌ها از دستورالعمل دورنیه و تاگوچی (۲۰۱۰) استفاده شد به نحوی که برای جمع‌آوری ابتدایی داده‌ها، نظر به مستحده بودن موضوع تحقیق، ادبیات تحقیقات از پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۳ مورد بررسی قرار

^۱ Sequential Component Analysis



گرفت و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. همچنین، برای رسیدن به اشباع نظری و تغییر و تعدیل جهت مرور نظام‌یافته تحقیق، از نظریات نخبگان (۲) دانشیار در زمینه روابط بین‌الملل، ۲ استادیار در زمینه روابط بین‌الملل و ۲ استادیار در زمینه امنیت ملی به ترتیب از دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، دانشگاه آزاد قم و دانشگاه دولتی شهید محلاتی (قم) انتخاب شدند و از طریق مصاحبه نیمه-ساختار یافته داده‌های لازم جمع‌آوری و پس از رونویسی تحلیل شد. همچنین، اسناد دسترسی‌پذیر و منتشرشده از مؤسسات و مراکز تحلیلی برجسته دنیا در این زمینه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از سه منبع داده، متغیرهای اصلی تأثیر دالان زنگزور شناسایی شدند. برای اعتباربخشی داده‌ها در گام کیفی رویکرد کنترل عضو^۱ اسجوستورم و دالگرن (۲۰۰۲) و در گام کمی از تحلیل عاملی تأییدی (پالانت، ۲۰۱۳) مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در تحلیل عاملی اکتشافی نیز از رویکرد اکسایش عاملی^۲ در نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس به همراه چرخش وریمکس^۳ در نرم‌افزار مذکور استفاده شد و برای تحلیل عاملی تأییدی نیز به جای کاربست نرم‌افزارهای مستقل مانند لیزرل، از نرم‌افزار افزونه آموس در اسپ‌اس‌اس استفاده شد.

۳-۲- تحلیل ساختاری (ماهیت یابی و رفتارشناسی متغیرها): بر اساس نازارکو و دیگران (۲۰۱۷) از تحلیل ساختاری برای بررسی تأثیر متقابل و تعامل متغیرهای دخیل در برساخت یک نظام استفاده می‌شود. گودت (۲۰۱۱) معتقد است که نتایج حاصل از تحلیل ساختاری به دلیل کشف الگوهای وابستگی عوامل مؤثر و غیر مؤثر در برساخت یک نظام اندیشگانی، امکان کشف متغیرهای کلیدی را فراهم می‌کند و از این طریق اطلاعات تحلیلی فراوانی در اختیار محققان قرار می‌دهد. بر همین اساس، در این گام از تحقیق به کمک نظرات نخبگان، ماتریس اثرات متقاطع تکمیل و در نرم‌افزار میک‌مک، مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل حاصل از این ماتریس ضمن ارائه نگاشت نظام تأثیرات، ماهیت و تحلیل معتبری از متغیرهای گوناگون شامل متغیرهای حیاتی، ریسک، هدف و راهبردی را فراهم کرده است.

۳-۳- سناریو پردازی: بر اساس ویمر-جل (۲۰۲۳) از رویکرد کیفی تعادل تأثیرات متقاطع^۴ در نرم‌افزار سناریو ویزارد برای استخراج شبکه تأثیرات و کشف رفتارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پایدار استفاده می‌شود و بر اساس آن امکان استخراج سناریوهای محتمل، ممکن و بالقوه فراهم می‌شود که در آینده پژوهی نظام‌ها و پدیده‌ها مورد استفاده محققان قرار می‌گیرد. در تحقیق حاضر نیز با استخدام و کاربست یافته‌های اعتباربخشی شده در گام‌های پیشین در ماتریس تحلیل اثر

¹ Member Checking

² Factor Reduction

³ Varimax Rotation

⁴ Crossed Impacts Balances



متوازن، در نرم‌افزار سناریو ویزارد که مجدداً به کمک نخبگان تحقیق انجام شد، منجر به ارائه سازگارترین سناریوی امنیتی متناسب با بافت بومی امنیتی ایران شد. وزن این سناریو و متغیرهای کلیدی متغیر در آن نیز از دیگر یافته‌های حاصل از این بخش است.

۴- یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در بالا اشاره شد، نتایج حاصل از تحقیق به سه بخش مختلف تقسیم می‌شوند که در این قسمت به ترتیب به توصیف و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم و ارزش‌ها و مقادیر حاصل شده از آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

۴-۱- نتایج حاصل از تحلیل اکتشافی

مرور نظام‌یافته ادبیات تحقیق، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نخبگان و بررسی اسناد امنیتی و روابط خارجی در دسترس نشان داد که ۳۴ متغیر مختلف در ساخت پدیده تأثیر منفی ایجاد دالان زنگزور بر امنیت ایران دخالت دارند. اگرچه برخی کارشناسان و نخبگان تحقیق به مزایای احتمالی ایجاد این دالان بر جنبه‌های مختلف امنیت ایران اشاره کرده‌اند اما به دلیل عدم توزین مناسب مزایا در مقابل معایب و همچنین عدم امکان انتفاع ایران از این مزایا تحت تأثیر شرایط بین‌المللی، در مطالعه حاضر تنها به بخش تأثیرات منفی پرداخته شده است. استیلائی معایب بر مزایای احتمالی در گام اعتباربخشی نیز مشهود بود. به منظور انجام اعتباربخشی این یافته‌ها، ضمن رعایت مقدمات و مفروضات مختلف، تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار اسپاس و در قالب یک مقیاس لیکرت انجام گرفت. پس از تخمین پایایی داده‌های مفروض اولیه، از طریق همبستگی پیرسون (کرونباخ آلفا برابر با ۰.۷۶) محاسبه شد و همچنین امکان عاملیت پذیری داده‌ها بررسی شد که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۱- محاسبه امکان عاملیت پذیری مقیاس اولیه در نرم‌افزار اسپاس

ارزش کی‌ام‌او (نشانگر کفایت نمونه) ^۱	۰.۶۷۳
آزمون کره‌ای بودن داده‌ها ^۲ (بارتلت)	۳۲۱۳.۵۴۳
ارزش معناداری	۰.۰۰۱

بر اساس پالانت (۲۰۱۳)، در صورتی که ارزش نشان‌گر کفایت نمونه فراتر از ۰.۶۰۰ باشد، قابل قبول است. همچنین هر ارزش معناداری کمتر از ۰.۰۵ حاکی از آن است که داده‌های ورودی به نرم‌افزار قابلیت اعتباربخشی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی را دارند؛ به عبارت دیگر، می‌توان از طریق اکسایش

^۱ KMO Value

^۲ Test of Sphericity



عاملی^۱ و چرخش وریمکس^۲ تعداد مؤلفه‌های معتبر تأثیر ایجاد دالان زنگزور بر امنیت ایران را به همراه متغیرهای ذیل آن‌ها، استخراج کرد. نتایج حاصل از این بخش نشان داد که ۱۸ متغیر بنیادین در چهار محور امنیت هژمونیک و ژئوپلیتیک، امنیت اقتصادی و تجاری، امنیت ترانزیتی و امنیت نظامی در نظام تأثیرات دالان زنگزور حضور دارند. در جدول زیر این مؤلفه‌ها به همراه بار عاملی آن‌ها ذکر شده است:

جدول شماره ۲. نتایج پالایش شده ناشی از تحلیل عاملی بر اساس چرخش وریمکس

ردیف	مؤلفه (عامل)	متغیرها	بار عاملی
۱	امنیت اقتصادی	کاهش دسترسی‌پذیری امن ایران به تجارت حوزه دریای سیاه	۰.۷۳
		کاهش ظرفیت رفع تحریم‌های بین‌المللی از مسیر قفقاز، آسیای میانه	۰.۸۹
		حذف عملی برخی شرکای تجاری مانند ارمنستان	۰.۹۱
		کاهش احتمال وابستگی اروپا به منابع انرژی ایران در کوتاه مدت	۰.۷۶
		کاهش رقابت‌پذیری تجاری با روسیه در قفقاز و دریای خزر	۰.۹۰
		کاهش رقابت‌پذیری تجاری با ترکیه در قفقاز و دریای خزر	۰.۹۳
۲	امنیت ترانزیت	کمرنگ شدن نقش جغرافیای ایران در آینده ترانزیتی چین و روسیه	۰.۹۱
		تأثیر منفی بر کریدور موسوم به شمال-جنوب با محوریت ایران	۰.۸۹
		تأثیر منفی بر مسیرهای ترانزیتی ابداعی ایران (مانند ایران-ارمنستان-گرجستان)	۰.۹۰
		تأثیر منفی بر هزینه و زیرساخت‌های ریلی، جاده‌ای و لوله‌ای داخل کشور	۰.۹۲
۳	امنیت هژمونیک/ژئوپلیتیک	از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به آذربایجان با آزادسازی نخجوان	۰.۹۴
		از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به ترکیه در برخی مسیرهای ترانزیتی	۰.۹۰

¹ Factor Reduction

² Varimax Rotation



۰.۸۹	از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به روسیه در برخی مسیرهای ترانزیتی		
۰.۹۳	از دست رفتن اهرم تنظیم همگرایی در سیاست خارجی نسبت به ارمنستان		
۰.۸۷	افزایش احتمال به هم ریختن وضع موجود در دو مرز ایمن (آذربایجان - ارمنستان)	امنیت نظامی	۴
۰.۸۶	افزایش احتمال حضور نظامی ترکیه در قرابت جغرافیایی ایران		
۰.۸۸	پذیرش شکست سیاست‌های نظامی ایران در قفقاز با پذیرش شکست ارمنستان		
۰.۷۹	افزایش احتمال حضور نیروها (ناتو، روسیه) و سرویس‌های امنیتی بیگانه در قرابت ایران		

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید، به دلیل قرار گرفتن ایران ذیل تحریم‌های شدید بین‌المللی و رقابت کشورهای کنترل‌کننده دالان زنگرور با ایران در منطقه قفقاز و محیط بین‌الملل و هم‌چنین کاهش وزن هژمونیک ایران بعد از ایجاد دالان مذکور که ناشی از حذف برخی اهرم‌های ایران می‌شود، باعث شده است تا چشم‌انداز ایجاد این دالان برای جمهوری اسلامی ایران بسیار ناامیدکننده باشد. تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که از ۳۲ متغیر اولیه برخی به دلیل همپوشانی و برخی به دلیل عدم کسب بار عاملی قابل قبول، از فرایند اعتباربخشی کنار گذاشته شدند و تنها ۱۸ متغیر ذیل ۴ عامل (مؤلفه) حضور دارند که در جدول بالا نشان داده شده است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی که دربردارنده شاخص‌های برازش و گراف نهایی مدل بر اساس نرم‌افزار آموس است، به ترتیب در جدول و شکل زیر آورده شده است.

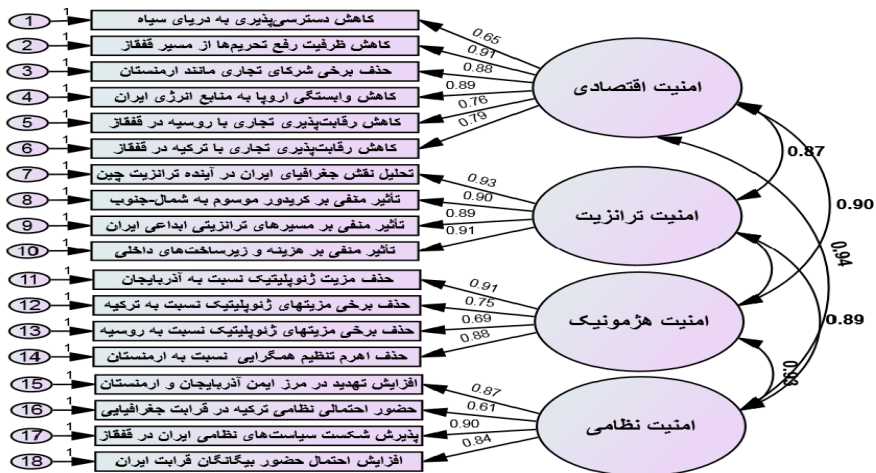
جدول شماره ۳- شاخص‌های برازش حاصل‌شده از تحلیل عاملی تأییدی

شاخص	سطح مشاهده شده	سطح قابل قبول	نتیجه‌گیری
مربع‌خی	۱.۰۲	کمتر از ۳	خوب
شاخص انطباق مبتنی بر نرم	۰.۹۴	بیشتر یا مساوی ۰.۹۰	نسبتاً خوب
شاخص انطباق مقایسه‌ای	۰.۹۲	بیشتر یا مساوی ۰.۹۰	خوب
ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین	۰.۰۲	کمتر از ۰.۰۵	معنادار



همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شده است، شاخص‌های برآزش مؤید انطباق نتایج حاصل‌شده با واقعیت‌های محیط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران است و بدان معنا است که نتایج حاصل‌شده دارای اعتبار است. بر همین اساس، الگوی برساخته شده از مؤلفه‌ها و متغیرهای اعتباربخشی شده در گام‌های تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی، از نرم‌افزار آموس استخراج شد که در شکل زیر نشان داده شده است:

شکل ۱- خروجی نهایی تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار آموس (انگاره تأثیرات دالان زنگرور)



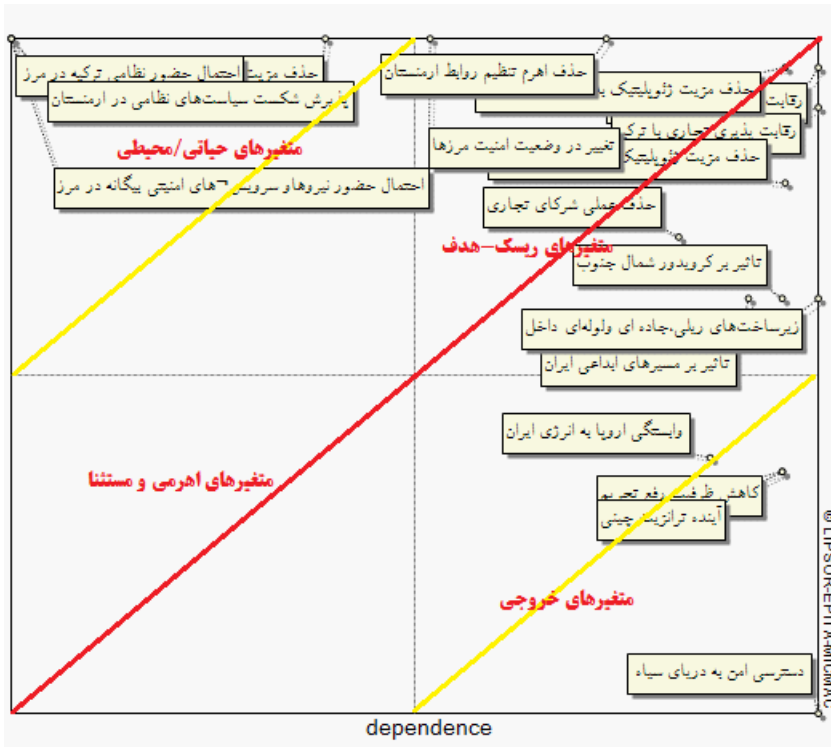
۴-۲. نتایج حاصل از تحلیل ساختاری: در گام تحلیل ساختاری، هجده متغیر نهایی شده در گام پیشین به‌عنوان تغذیه وارد ماتریس اثرات متقاطع^۱ شد. در دیگر تحقیقات کیفی، انتخاب متغیرها برای تغذیه ماتریس مذکور به‌وسیله تحلیل محتوا، زمینه‌یابی و یا پدیدارشناسی صورت می‌گیرد. لذا استفاده از خروجی گام تحلیل عاملی خود از مزیت‌های تحقیق حاضر است که از نتایج استفاده کرده است که دو گام مهم اعتباربخشی را پشت سر گذاشته است و تصویر دقیق‌تری از پدیده مذکور را ارائه داده است. در این گام که به‌صورت مستقل از گام پیشین (تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی) انجام شد، نخبگان تحقیق، اثر هر متغیر را بر متغیر دیگر با مقادیر ۰ تا ۳ ارزش‌گذاری کردند. سپس متغیرها بر اساس وزن اختصاص داده‌شده به آن‌ها توسط نخبگان در ماتریس اثرات مستقیم و غیرمستقیم و بالقوه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج این تحلیل‌ها در جداول و نگاشت‌های زیر ارائه‌شده است. نگاشت تأثیرات مستقیم (شکل شماره ۲)، متغیرها را بر اساس وزن اختصاص‌یافته توسط



^۱ Matrix of Crossed-Impacts

نخبگان در چهار ناحیه متغیرهای حیاتی، متغیرهای دو وجهی، متغیرهای خروجی و متغیرهای اهرمی و مستثنا، توزیع می‌کند. متغیرها در هر کدام از این نواحی چهارگانه قرار بگیرند، دارای یک رفتار و ماهیت متمایز هستند. بر همین اساس، رفتار و ماهیت هر کدام از این متغیرها به گونه‌ای متمایز بر کارکرد این نظام اثرات تأثیر می‌گذارد که دانستن و آشنایی با آن، ظرفیت‌های زیادی برای شناخت وضعیت کنونی، پیش‌بینی وضع آینده و انتخاب راهبرد متناسب را فراهم می‌سازد.

شکل شماره ۲- نگاهت تأثیرات مستقیم در ماتریس اثرات متقاطع (منبع: نویسندگان تحقیق)



جدول شماره ۲. جدول توصیفی تعداد سطرها و ستون‌های اثر برای هر متغیر توسط نخبگان

ردیف	متغیر	نوع متغیر	سطر	ستون
۱	کاهش دسترسی امن ایران به دریای سیاه	خروجی	۲۰	۳۳
۲	کاهش ظرفیت رفع تحریم‌های جهانی از مسیر قفقاز	خروجی	۱۲	۳۸
۳	حذف عملی برخی شرکای تجاری	دو-وجهی (هدف)	۴۱	۳۸
۴	کاهش احتمال وابستگی اروپا به منابع انرژی ایران	خروجی	۲۱	۲۷



۴۲	۳۸	دو-وجهی (هدف)	کاهش رقابت‌پذیری تجاری با روسیه در قفقاز و آسیای میانه	۵
۴۸	۳۶	دو-وجهی (هدف)	کاهش رقابت‌پذیری تجاری با ترکیه در قفقاز و آسیای میانه	۶
۴۱	۲۴	خروجی	کمرنگ شدن نقش جغرافیای ایران در آینده ترانزیت چینی	۷
۴۴	۳۳	دو-وجهی (هدف)	تأثیر منفی بر کریدور شمال جنوب با محوریت ایران	۸
۴۶	۳۳	دو-وجهی (هدف)	تأثیر منفی بر دیگر مسیرهای ترانزیتی ابداعی ایران	۹
۴۸	۳۳	دو-وجهی (هدف)	تأثیر منفی بر هزینه و زیرساخت‌های ریلی، جاده‌ای و لوله‌ای داخل کشور	۱۰
۱۹	۵۱	بحرانی	از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به آذربایجان با آزادسازی نخجوان	۱۱
۴۱	۴۳	دو-وجهی (هدف)	از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به ترکیه در برخی مسیرهای ترانزیتی	۱۲
۴۱	۳۵	ریسک	از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به روسیه در برخی مسیرهای ترانزیتی	۱۳
۲۴	۵۱	ریسک	از دست رفتن اهرم تنظیم همگرایی در سیاست خارجی نسبت به ارمنستان	۱۴
۱۹	۴۸	ریسک	افزایش احتمال به هم ریختن وضع موجود در دو مرز ایمن (آذربایجان - ارمنستان)	۱۵
۱۶	۳۹	بحرانی	افزایش احتمال حضور نظامی ترکیه در قرابت جغرافیایی ایران	۱۶
۱۶	۳۹	بحرانی	پذیرش شکست سیاست‌های نظامی ایران در قفقاز با پذیرش شکست ارمنستان	۱۷
۱۹	۳	بحرانی	افزایش احتمال حضور نیروها (ناتو، روسیه) و سرویس‌های امنیتی بیگانه در قرابت ایران	۱۸
۶۰۰	۶۰۰		جمع کل	

بررسی یافته‌های حاصل از تحلیل ماتریس اثرات متقاطع در جدول و نگاشت بالا نشان می‌دهد که متغیرهای کشف‌شده و اعتباربخشی شده در گام پیشین، در نظام تأثیرات پسینی ناشی از ایجاد دالان زنگرور ماهیت و رفتار گوناگونی دارند به نحوی که تحلیل این رفتارها، اطلاعات زیادی را در اختیار تحلیل گران، آینده‌پژوهان و سناریوپردازان این حیطه قرار می‌دهد. بخشی از اطلاعات به‌دست‌آمده در این نگاشت به شکل زیر ارائه شده است:



۴-۲-۱- پایداری نظام تأثیرات پسینی ایجاد دالان زنگزور؛ مطابق با تحلیل ساختاری در نرم‌افزار میک‌مک، اگر پراکندگی متغیرها در نمودار به شکل L باشد، حاکی از پایدار بودن نظام متغیرها است به گونه‌ای که با تغییرات کوچک و یا تعدیل برخی متغیرها به راحتی دچار تغییر وضعیت نخواهد شد. بر اساس نوع پراکندگی و توزیع متغیرها در نگاشت بالا که نشان‌دهنده تأثیرات متقابل و مستقیم متغیرها بر همدیگر است، وضعیت نظام تحقیق حاضر در حالت ناپایدار قرار دارد. این در حالی است که هر چه میزان پایداری یک نظام در ماتریس اثرات متقاطع بالاتر باشد، ارزش پایایی بیشتری دارد و متناسب با آن، امکان تحلیل و پیش‌بینی بر اساس آن نیز افزایش می‌یابد اما هر چه ناپایدارتر باشد، نظام از پویایی و دینامیک بالاتری برخوردار است و با تغییر در یک متغیر، شرایط آن دچار تغییرات بنیادین می‌شود و لذا قابلیت پیش‌بینی پذیری کمتری دارد.

۴-۲-۲- متغیرهای ورودی (متغیرهای بحرانی^۱/متغیرهای محیطی^۲): این متغیرها که در شمال غربی نگاشت اثرات متقاطع قرار دارند، متغیرهای ورودی نظام تأثیرات هستند و این بدان معنا است که تغییر آن‌ها منجر به بیش‌ترین تغییرات در کل نظام تأثیرات ناشی از ایجاد دالان زنگزور می‌شود. این متغیرها به دو دسته حیاتی و محیطی تقسیم می‌شوند. متغیرهای بحرانی در بالای خط زرد قطری بخش شمال غربی نگاشت قرار دارند و بیش‌ترین تأثیرگذاری را در نظام اثرات تعقیبی ساخت دالان زنگزور دارند. در مطالعه حاضر، متغیرهای بحرانی شامل «افزایش احتمال حضور نظامی ترکیه در قرابت جغرافیایی ایران»، «پذیرش شکست سیاست‌های نظامی ایران در قفقاز با پذیرش شکست ارمنستان»، «افزایش احتمال حضور نیروها (ناتو، روسیه) و سرویس‌های امنیتی بیگانه در قرابت ایران» و «از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به آذربایجان با آزادسازی نخجوان» می‌شوند. علاوه بر آن، در بخش پایینی خط قطری زرد رنگ در همین ناحیه، متغیرهای محیطی قرار دارند که علیرغم تأثیرگذاری زیاد آن‌ها بر نظام و ساختار راهبردی، به دلیل محیطی بودن و وابستگی به بافت، تغییر آن‌ها بسیار سخت و مستلزم سرمایه و هزینه بسیار است. مطالعه حاضر فاقد این دسته از متغیرها است.

۴-۲-۳- متغیرهای دو-وجهی^۳ (متغیرهای ریسک^۴/متغیرهای هدف^۵): محل توزیع این متغیرها در بخش شمال شرقی نگاشت تأثیرات است. متغیرهای این ناحیه دارای طبیعتی کاملاً ناپایدار هستند و بر اساس اراده و هزینه بازیگران، شرایط حاکم بر بافت و نظام تأثیرات، می‌توانند در نقش متغیرهای ورودی و تأثیرگذار یا متغیرهای خروجی و تأثیرپذیر ظاهر شوند. این متغیرها به

¹ Critical Variables

² Environmental Variables

³ Bi-Dimensional

⁴ Risk

⁵ Target



دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم‌بندی می‌شوند. متغیرهای ریسک نقش کلیدی‌تری در نظام راهبرد یازی می‌کنند و تمایل بیشتری برای تبدیل شدن به متغیر تأثیرگذار را دارند. این متغیرها در بالای خط قطری قرمز این بخش قرار دارند. در مطالعه حاضر متغیرهای ریسک شامل «از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به روسیه در برخی مسیرهای ترانزیتی»، «از دست رفتن اهرم تنظیم همگرایی در سیاست خارجی نسبت به ارمنستان» و «افزایش احتمال به هم ریختن وضع موجود در دو مرز ایمن (آذربایجان-ارمنستان)» می‌شوند. تحمیل اراده بازیگر و یا صرف هزینه و زمان باعث می‌شود که این متغیرها نیز مانند متغیرهای بحرانی، نقش تأثیرگذاری بر نظام حاضر داشته باشند. متغیرهای هدف که در زیر خط قطری این ناحیه قرار دارند، بیشتر تمایل دارند که تحت تأثیر سایر متغیرها به‌عنوان متغیر خروجی نظام ایفای نقش کنند.

این متغیرها شامل «از دست رفتن مزیت ژئوپلیتیک نسبت به ترکیه در برخی مسیرهای ترانزیتی»، «تأثیر منفی بر هزینه و زیرساخت‌های ریلی، جاده‌ای و لوله‌ای داخل کشور»، «تأثیر منفی بر دیگر مسیرهای ترانزیتی ابداعی ایران»، «تأثیر منفی بر کریدور شمال جنوب با محوریت ایران»، «کاهش رقابت‌پذیری تجاری با ترکیه در قفقاز و آسیای میانه»، «کاهش رقابت‌پذیری تجاری با روسیه در قفقاز و آسیای میانه» و «حذف عملی برخی شرکای تجاری» می‌شوند. دست‌کاری این متغیرها برای تغییر بازی در نظام تأثیرات، در مقایسه با متغیرهای بررسی‌شده در بالا، مستلزم هزینه و زمان بیشتری است اما در صورت سرمایه‌گذاری و حصول تغییر، دارای تأثیرات عمیق‌تر و راهبردی‌تری هستند. برای مثال، اگر جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان که بیش‌ترین تأثیرات منفی ایجاد دالان زنگزور متوجه آن‌ها است، بتواند علیرغم تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای موجود، بر روی مسیرهای ترانزیتی داخلی و خارجی خود سرمایه‌گذاری کنند و آن را به نتیجه برسانند به صورت عملی از نیازمندی به دالان زنگزور فارغ خواهند شد و مجبور به پذیرش عواقب پسینی آن در حوزه‌های گوناگون نیستند.

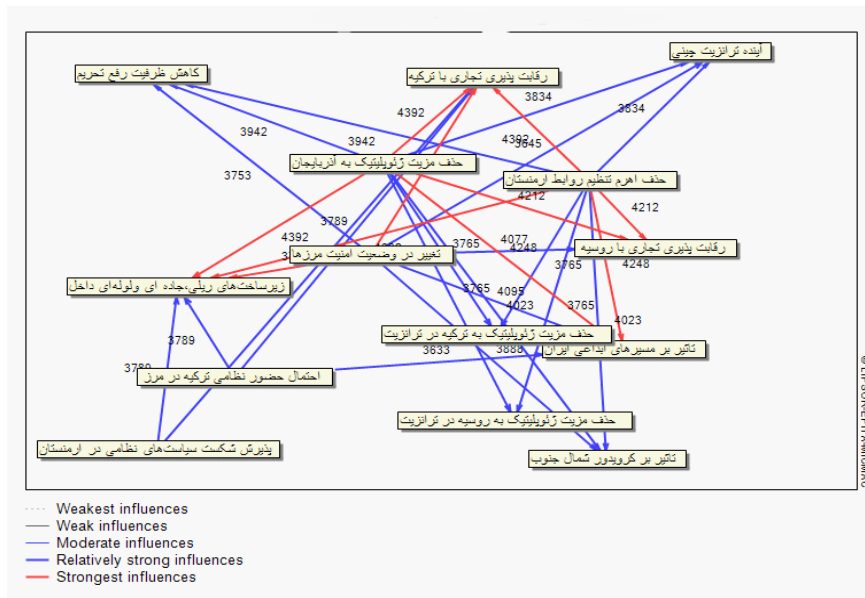
۴-۲-۴- متغیرهای خروجی^۱: این متغیرها که در بخش جنوب شرقی نگاشت قرار دارند، بیش‌ترین تأثیرپذیری را نسبت به تغییر در سایر متغیرها از خود نشان می‌دهند و دچار تغییر می‌شوند. از این‌رو به این متغیرها، وابسته یا خروجی گفته می‌شود. این دسته از متغیرها کم‌بازده‌ترین و دیربازده‌ترین متغیرها در نظام تأثیرات هستند و به همین دلیل، به بازیگران توصیه نمی‌شود که برای افزایش نقش خود در یک نظام، به تغییر یا دست‌کاری آن‌ها بپردازند. متغیرهای «کاهش دسترسی امن ایران به دریای سیاه»، «کاهش ظرفیت رفع تحریم‌های جهانی از مسیر قفقاز»،



«کاهش احتمال وابستگی اروپا به منابع انرژی ایران» و «کمرنگ شدن نقش جغرافیای ایران در آینده ترانزیت چین» در این دسته قرار می‌گیرند.

برای مثال، تعدیل دسترسی ایران به دریای سیاه در نظام تأثیرات جاری، مستلزم تغییر هم‌زمان در چندین متغیر اصلی است و نیاز به زمان و هزینه گزافی دارد. همچنین، ایجاد یک تناوب دیگر خارج از نظام متغیرهای حاضر بعید به نظر می‌رسد. به همین دلیل، برای نرسیدن به این نتیجه، دست‌کاری سایر متغیرهای کم‌هزینه‌تر توصیه می‌شود. نظام حاضر فاقد متغیرهای اهرمی و مستثنا است. همچنین، تأثیر تعاملی پر قدرت‌ترین متغیرها در این نظام در نگاشت زیر نشان داده شده است که در آن خطوط قرمز نشانگر برهم‌کنش قدرتمند^۱ و خطوط آبی نشانگر برهم‌کنش نسبتاً قدرتمند^۲ است. اثرات تعاملاتی متوسط و ضعیف در این نگاشت حذف شده‌اند. در نگاشت زیر نشان داده شده است که «تغییر مزیت ژئوپلیتیک نسبت به آذربایجان»، «حذف اهرم تنظیم روابط با ارمنستان» و «تغییر در وضعیت مرزها»، دارای بیش‌ترین بردار تأثیرات قدرتمند هستند.

شکل شماره ۳. نگاشت اثرات تعاملی متغیرها در نظام تأثیرات دالان زنگزور



¹ Strong Effect

² Relatively Strong Effect



۳-۴- نتایج حاصل از سناریو پردازی: همان‌طور که در بخش روش‌شناسی تحقیق اشاره شد، هدف پایانی نوشتار حاضر، رسیدن به سناریوی مطلوب امنیتی جمهوری اسلامی ایران است که موجب تغییر اساسی در نظام تأثیرات دالان زنگزور خواهد شد. برای تحقیق این هدف از نظرات نخبگان تحقیق در ماتریس اثرات متوازن^۱ در نرم‌افزار سناریو ویزارد استفاده شد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که ۳ سناریوی سازگار (سازگاری بالا)، ۲۸ سناریو یا سازگاری پایین و ۹۷ سناریو با سازگاری ضعیف در نظام این تأثیرات وجود دارند اما به دلیل محدودیت‌های نگارش، تنها به سازگارترین سناریو اشاره کرده‌ایم:

جدول شماره ۳. سناریوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تأثیرات

ناشی از احتمال تأسیس دالان زنگزور

محور اصلی	وزن	ماهیت	عامل کلیدی	سازگاری
تقویت مؤلفه ژئوپلیتیک/هژمونیک	۳	مطلوب	تقویت همگرایی با ارمنستان	۹۴
تقویت مؤلفه ترانزیتی	۳	مطلوب	سرمایه‌گذاری ترانزیتی مشترک با ارمنستان	۹۰
تقویت مؤلفه نظامی	۳	مطلوب	حفظ وضع موجود در مرزها	۸۷
تقویت مؤلفه اقتصادی	۲	مطلوب	خنثی‌سازی تحریم‌ها و بازگشت به رقابت‌پذیری	۸۳

همان‌طور که در این سناریو نشان داده شده، تقویت مؤلفه ژئوپلیتیک از طریق تأثیرگذاری بر سایر بازیگران به ویژه تقرب سیاسی و نظامی و اقتصادی با ارمنستان می‌تواند مانع از ایجاد دالان زنگزور شود که کم‌هزینه‌ترین مسیر برای کشور است و برای تحقق این مهم، جلوگیری از انزوای سیاسی و اقتصادی ارمنستان ضروری است. تقویت مسیرهای ترانزیتی مشترک که تحت کنترل کشورهای ایران و ارمنستان است، نیاز اقتصادی این کشور برای ترانزیت و نیاز نظامی آن برای پشتیبانی را مرتفع می‌کند زیرا ارمنستان به دلیل شرایط اقتصادی قادر به سرمایه‌گذاری کوتاه مدت در این شرایط نیست. این زیر-راهبرد^۲ در مقایسه با زیر-راهبرد پیشین پرهزینه‌تر اما دارای ثبات تأثیر بیشتری است. همچنین، زیر-راهبرد سوم تلاش برای تقویت بعد نظامی و حفظ وضع موجود در مرزهای ارمنستان و آذربایجان است. مانورهای نظامی ایران در این منطقه و افزایش حمایت نظامی

^۱ Matrix of Balanced-Impacts

^۲ Sub-Strategy



از ارمنستان، از زیر-متغیرهای کلیدی دیگر هستند که موجب حفظ وضع موجود می‌شوند. در وضع موجود، ایران مزیت راهبردی خود بر نخجوان و مدیریت سیاسی ارمنستان را حفظ می‌کند و اهمیت سرزمینی خود برای مسیرهای ترانزیتی روسیه، ترکیه و چین را نیز از دست نخواهد داد. زیر-راهبرد نهایی، تلاش برای از میان برداشتن تحریم بین‌المللی از طریق توافق یا خنثی‌سازی است که منجر به تقویت همه مؤلفه‌های تأثیر در فوق می‌شود. تجمیع این موارد ممکن است آذربایجان، ترکیه و روسیه را وادار کند تا از مزایای اقتصادی این موضوع صرف‌نظر کنند و به سمت ایجاد کانال ترانزیتی در ترازهای بالاتر جغرافیایی، مانند دالان لاجین بپردازند.

۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

تغییرات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه قفقاز، جمهوری اسلامی ایران را ملزم کرده است که در تحولات منطقه‌ای نقش فعال‌تری بازی کند و نقایص پیشین خود نسبت به رویکردهای منطقه‌ای را اصلاح کنند. نتایج حاصل از این مطالعه با قادی و دیگران (۲۰۲۲) سازگاری دارد. بر اساس این مطالعه، متغیرهای مؤثر بر منافع اقتصادی و امنیتی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دارای خاستگاه گوناگون منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و بین‌المللی است که به صورت شبکه‌ای معنادار با هم در ارتباط هستند و بر همین اساس، نیاز است برهم‌کنش این متغیرها در سطوح سه‌گانه مذکور مورد توجه قرار گیرد. همچنین، یافته‌های تحقیق حاضر با اسماعیل‌زاده و بابایف (۲۰۲۱) تطابق دارد. بر اساس این مطالعه، در صورت بازگشایی دالان زنگرور و عملیاتی شدن آن، در منافع اقتصادی و راهبردی آذربایجان، روسیه، ترکیه و هند تغییرات اساسی ایجاد می‌شود و راهبرد ترانزیتی چین بدون تغییر هزینه فاحش، به سمت این دالان سوق می‌یابد، اما جمهوری اسلامی ایران به واسطه ساختار تحریم‌ها نه تنها از مزایای ارتباطی این دالان با اروپا منتفع نخواهد شد بلکه برخی از مزیت‌های راهبردی خود در زمینه ترانزیت با چین، هند، پاکستان و حتی افغانستان را از دست می‌دهد. علاوه بر آن، یافته‌های تحقیق حاضر مکمل یافته‌های توبا (۲۰۲۱) است که اشتغال روسیه در جنگ اوکراین را یکی از دلایل تعلیق عملیاتی شدن این دالان می‌داند. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران با پیشبرد سناریوی مطلوب مطرح شده در فوق، قادر خواهد بود تا با ارائه مشوق‌های اقتصادی و امنیتی به ارمنستان، هزینه تقابل این کشور با ترکیه و آذربایجان را تا حدودی جبران کند و مانع از تحقق این دالان شود.

۵-۲- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحقیق جاری نشان داد که گشایش دالان زنگرور تأثیرات مهمی بر فرصت‌ها و چالش‌های ترانزیتی و ژئوپلیتیک قفقاز، آسیای میانه، اروپا و حتی غرب آسیا خواهد داشت به‌گونه‌ای



که کلان ساختار امنیت در منطقه قفقاز و محیط همسایگی آن را دچار تغییرات رادیکال خواهد کرد. در این میان، کشورهای ایران، ارمنستان و گرجستان به ترتیب، علیرغم احتمال انتفاع نسبی از مزایای ترانزیتی آن، بیشترین آسیب‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی را متحمل خواهند شد. به همین دلیل، این موضوع برای جمهوری اسلامی ایران یک اولویت اساسی است که به تفصیل به ابعاد آن پرداخته شد و راهبرد مناسب برای برون‌رفت از این شرایط ارائه شد. توزین نامناسب فرصت‌های این دالان در مقابل تهدیداتی مانند احتمال از دست رفتن تمامیت ارضی و سرزمین‌های ارمی نشین ادعایی به همراه وابستگی ژئوپلیتیک به دشمن دیرینه، ارمنستان را برای توافق بر سر این دالان با نگرانی‌های زیادی روبرو کرده است. از طرف دیگر، جنگ اوکراین فشار اهرم روسیه برای بازگشایی این دالان را (به ویژه در مقابل ایران و گرجستان) تقلیل داده است. بر همین اساس، اتخاذ یک راهبرد سیاست خارجی مبتنی بر واقعیت‌های منطقه‌ای و جهانی، راه برون‌رفت از این بحران احتمالی خواهد بود. تحقیق حاضر به دلیل بدیع بودن، روش انجام، اعتباربخشی نخبگانی و نرم‌افزاری، برای محققین حوزه علوم سیاسی و امنیت و کارگزاران نظامی و روابط خارجی حائز اهمیت محتوایی و روش‌شناختی است.

۳-۵- پیشنهادها

مطالعه حاضر منتج به یک سناریوی منتخب و مطلوب و سازگار با واقعیت‌های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران شده است که ضمن حفظ مزایای امنیتی، راهبردی و اقتصادی ایران در ذیل ساختار تحریم‌ها، مانع از زوال فرصت‌های ترانزیتی مهم و راهبردی پیش روی خود شود. این تحقیق حداقل از دو حیث راهبرد پژوهی و روش‌شناسی دارای پیشنهاد است؛

الف- پیشنهاد راهبردی: داده‌های استخراج‌شده از سناریونویسی به دلیل ابتناء بر شاخص‌های کمی برازش، تطابق با واقعیت‌های محیطی و تأیید کیفی نخبگانی، تغذیه مناسبی برای راهبردنویسی و آینده‌پژوهی فراهم می‌کنند. در بعد راهبردی، بدیهی است تقویت همگرایی با ارمنستان و سرمایه‌گذاری ترانزیتی مشترک با ارمنستان، به دلیل تأمین مزیت‌های تجاری و امنیتی این کشور، آن را از پذیرش توافق زنگزور دور خواهد ساخت. همچنین، حفظ وضع موجود در مرزها کشورهای هند و چین را نسبت به سرمایه‌گذاری بر روی مسیر ترانزیتی ایران راغب‌تر خواهد کرد اما سواى همه این‌ها، راهبرد کم‌هزینه‌تر برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، خنثی‌سازی تحریم‌ها و بازگشت به رقابت‌پذیری منطقه‌ای خواهد بود که حتی در صورت ایجاد دالان زنگزور، به واسطه ظرفیت‌های عظیم انرژی و اقتصادی کشور، می‌توان برخی مزیت‌های ترانزیتی و بازرگانی را برای کشورمان متصور بود.



ب- پیشنهاد روش شناختی: تحلیل مؤلفه تعقیبی از دو فاز اعتباربخشی نرم‌افزاری و نخبگانی عبور می‌کند و بر همین اساس قابلیت تعمیم‌پذیری فراوانی دارد به‌گونه‌ای که از آن می‌توان برای بومی‌سازی قالب‌های تحلیلی جهانی مانند نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای استفاده کرد و کاربست آن برای منطقه قفقاز را با تأکید بر پدیده تحقیق حاضر بازنویسی کرد زیرا هر بافت امنیتی از برخی دینامیک‌های بومی منحصر به فرد برخوردار است که ممکن است توسط قالب‌های استاندارد مانند نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای لحاظ نشده باشد. برای مثال تأثیر رژیم صهیونیستی در معادله دالان زنگزور ممکن است بر اساس سطوح تحلیل نظری در حیطه بررسی قالب امنیتی فوق گنجانده نشود اما واقعیت آن است که از طریق اعمال نفوذ در آذربایجان، تأثیرات مستقیم خود را بر جای می‌گذارد. همچنین به دلیل داده بنیاد بودن و رویکرد استنتاجی روش استفاده‌شده در تحقیق حاضر، امکان نظریه‌پردازی از طریق ارائه براهین نظری جدید و یا بسط و توسعه نظریات جاری وجود دارد.

ج: پیشنهاد کاربردی: نتایج حاصل از تحلیل تعقیبی نشان داد که ۱۸ متغیر دارای بیش‌ترین تأثیر هستند و اگرچه متغیرهای دیگری نیز وجود داشتند اما به دلیل تخصیص ارزش‌های عددی غیرقابل قبول، متغیرهای معنادار تشخیص داده نشدند و از فرایند حذف شدند. این مهم نشان می‌دهد که محققان بعدی می‌توانند با ابتناء بر این نتایج، تحقیقات آتی خود را با هزینه و زمان کمتری بسط دهند و از پرداختن به سایر متغیرهای غیر معنادار صرف‌نظر کنند. همچنین در تحلیل ساختاری، ۴ متغیر ذیل متغیرهای حیاتی و ۱۰ متغیر ذیل متغیرهای دو-وجهی (ریسک و هدف) قرار گرفتند. این نوع از توزیع متغیرها در این دو دسته برای کنش‌گران راهبردی کشور در سطوح گوناگون تحقیقاتی و اجرایی، دارای ارزش کاربردی است زیرا نشان می‌دهد که پرداختن به متغیرهای حیاتی در وهله اول، راحت‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای تغییر نظام تأثیرات ناشی از ایجاد احتمالی دالان زنگزور است. همچنین، برای کنش‌گری در این فضای راهبردی، ۱۰ متغیر قرار گرفته در بخش بعدی نمودار دارای بیش‌ترین ظرفیت برای تغییر این نظام به سود خویش است زیرا بعد از متغیرهای حیاتی، کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر از دست‌کاری متغیرهای خروجی یا مستقل، بر نظام مذکور اثر می‌گذارند. همچنین بر اساس نتایج گام سوم، مطلوب‌ترین سناریو برای ایران در بعد ژئوپلیتیک/هژمونیک، تقویت همگرایی سیاسی و امنیتی با ارمنستان، در بعد ترانزیتی، سرمایه‌گذاری ترانزیتی مشترک با ارمنستان برای تثبیت وضع موجود، در بعد نظامی، حفظ وضع موجود در مرزها با مداخله مؤثر و در بعد اقتصادی، خنثی‌سازی تحریم‌ها و بازگشت به رقابت‌پذیری عنوان شده است. راهبردهای محتمل دیگری نیز وجود دارد که امکان بسط و بر ساخت آن‌ها با استفاده از نتایج گام اول این تحقیق نیز میسر است.



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

۱. اشرفی، حمیدرضا، & شیخ‌الاسلامی، محمدحسن. (۱۴۰۲). روسیه و ابتکار «کمربند-جاده» چین (۲۰۲۰-۲۰۱۳). فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۹(۱۲۱)، ۳-۲۶.
۲. اعظمی، هادی، سلطانی، محسن. (۱۳۹۶). بررسی پارامترهای سیاسی-امنیتی مؤثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان به ایران؛ با تأکید بر منطقه‌ی خودمختار نخجوان. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۲۳)، ۱۰۷-۱۳۱.
۳. امیری، مهدی، & فلاحی، احسان. (۱۴۰۱). ژئوپلی‌نومی روابط ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۲)، ۷۳-۱۰۱.
۴. انصاری نسب، مسلم. (۱۴۰۲). کریدور ریلی ترانسیکاکا و تجارت ایران و آسیای میانه. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۹(۱۲۱)، ۷۹-۱۰۶.
۵. جاجانی، مهرداد، سنایی، اردشیر، & خبیری، کابک. (۱۴۰۰). ساخت و اعتباربخشی مدل روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان و استخراج متغیرهای خطرپذیری، بحرانی، راهبردی و تنظیمی. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۴(۲)، ۱۵۱-۱۷۳.
۶. رشیدی، احمد. (۱۴۰۲). کریدور میانی و منافع ایران در قفقاز جنوبی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۹(۱۲۱)، ۲۷-۵۴.
۷. عباسی، مجید و موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۶۱-۸۰.

۶-۲- منابع انگلیسی

1. Amable, D. S. (2022). Theorizing the Emergence of Security Regions: An Adaptation for the Regional Security Complex Theory. *Global Studies Quarterly*, 2(4), 1-12.
2. Asgarova, R. (2022). Geopolitical Changes in the Caucasus and Their Impact on Security in the Region. Center of Analysis of International Relations (AIR Center).
3. Buzan, B. & Wæver, O. (2009). Macro-securitization and security constellations: reconsidering scale in securitization theory. *Review of International Studies*, 35(2), 253-276.
4. Carpenter, T.G. (1991). The New World Disorder. *Foreign Policy*, 84, 24-39.



5. Ferreira-Suza, T. (2021). Rethinking the Regional Security Complex Theory: A South American view between 2008-2016. *Journal of International Security Studies*, 7(1), 83-103.
6. Floyd, R. (2020). Securitisation and the Function of Functional Actors. *Critical Studies on Security*, 9(2), 1-17.
7. Ghadi, M.A; Farhadi, M & Heydarabadi, A. (2022). Developing an optimal model of Iran's countermeasures against the threats of economic plans of the major powers in central Asia. *Journal of Eurasian Studies*, 0(0), 1-16.
8. Godet M, (2011). *Strategic foresight. For corporate and regional development*. Paris. Dunod.
9. Grabowski, W. (2020). Application of the Regional Security Complex Theory for Security Analysis in the Persian Gulf. *Athenaeum Polskie Studia Politologiczne*, 68(4), 18-31.
10. Ismailzade, F & Babayev, B. (2022). The economic importance of the South Caucasus' Zangezur corridor. *GCRF COMPASS*.
11. Friedberg, A. L. (1993). Ripe for rivalry: prospects for peace in a multipolar Asia. *International security*, 18(3), 5-33.
12. Nazarko, J, Ejdys, J, Halicka, K, et al (2017). Structural Analysis as an Instrument for Identification of Critical Drivers of Technology Development. *Procedia Engineering* 182, 474 - 481.
13. Pour Esmaeili, N. Salimi, H. & Dehghani Firoozabadi, S. J. (2020). Critical and Complementary Review of Buzan's Regional Security Complex Theory in The Wake of Middle East Regional system. *Geopolitics Quarterly*, 16(60), 135-164.
14. Seyyed, K.H & Khan, I. (2022). Azerbaijan-Iran Tension: Implications for Pakistan. *Pakistan Social Sciences Review*, 6, (1), 109-122.
15. Sjostrom, B. & Dahlgren, L. O. (2002). Applying phenomenography in nursing research. *Journal of advanced nursing*, 40(3), 339-345.
16. Tüysüzoglu, G. (2014). How demand for security influence the shaping of foreign policy: Using the theory of securitization to understand Armenia-Iran relations. *Journal of Eurasian Studies*, 5 (1), 192-201.
17. Tuba, E. (2022). Russia's war on Ukraine and the rise of the Middle corridor as a third vector of Eurasian connectivity: Connecting Europe and Asia via Central Asia, the Caucasus, and Turkey. *Leibniz Information Center for politics and Economics, German Institute for International and Security Affairs, Berlin*.
18. Xie, L. & Warner, J. (2021). The politics of securitization: China's competing security agendas and their impacts on securitizing shared rivers. *Eurasian Geography and Economics*, 1-30.



Books

1. Buzan, B. (2014). An Introduction to the English School of International Relations. Cambridge: Polity Press.
2. Dornyei, Z. & Taguchi, T. (2010). Questionnaires in Second Language Research: Construction, Administration and Processing (2nd ed). New York: Routledge.
3. Mutimer, D.(2019). Critical Security Studies: A Schismatic History. In Contemporary Security Studies, edited by A. Collins, 91–110. 5th ed. Oxford: Oxford University Press.
4. Pallant, J. (2013). SPSS Survival Manual. A step by step guide to data analysis using SPSS. Allen & Unwin.

